

تصاميم پشت پرده

در ارتباط به تمام جوانب اهميت انتخابات سال ۱۹۹۳ در افغانستان که همزمان با خروج عساکر " ISAF " ميباشد تبصره ها، مقالات، پيام ها و فراخوان هاى با ارزش نوشته شده و سخن هاى بجا از جانب صاحب نظران گفته شده است. اينکه چرا دو کاندید رياست جمهورى بدون مداخله امريکا نخواستند و يا هم نتوانستند با هم به توافق برسند، ميتوان گفت که ملامتى ها بجا اند و اما سؤال من اينست که: آيا واقعاً بايد باور ميداشت در سرزمينى که در بيشتر از سه دهه بازيچه دست سياست هاى مغرضانه اى همسايه هاى ما و سياست خود کمک کننده غرب بوده است، بدون مواجه شدن به عکس العمل هاى تخریب کننده جوانب مغرض ميتوان ديموکراسى را بدون چون و چرا نهاد گذاشت؟

افغانستان در اين بيشتر از سيزده سال شاهد صد ها حوادث ناگوار بوده است. انتظارات در بعضى موارد بيش از حد و حتى در حدود مقايسه با کشور هاى غرب، باعث ميگردد تا فراموش گردد که آنچه افغانستان را به اين معضله سياسى مواجه گردانیده است مغلق تر از آنست که بتوان آنرا معجزه وار حل نمود. تصور اينکه حاکميت ملّی بصورت مطلق بتواند اعمال گردد، خود آرزوئى است که ميتوان آنرا داشت و اما، اگر جريان بر اساس تنها آرزو پيش نرود آيا بايد بطور مطلق نا اميد گرديد؟.

کشور هاى پيشرفته جهان، بايد همواره با مراعات فضاى بين المللى خود را با يك و يا ديگر خواست بين المللى تطابق بدهند. در مورد کشور هاى جهان سوم و بخصوص افغانستان، اين موضوع بمراتب مشكلتر و مغلق تر است. اشتباهات خود کرده و تحميل شده بالای دولت ها و حکومت هاى چنين کشور ها، خواهى خواهى همواره با مداخله و اشتباهات کشور هاى ديگر و با بازى هاى سياسى پشت پرده در قبال شان مواجه ميگردد. در اينمورد هم اگر جريان بر اساس آرزو پيش نرود و خيال استقلال سياسى مطلق بر اساس بزرگ بودن حباب آرزو ها، از هم متلاشى گردد، آيا بايد اميد را بطور کامل از دست داد و روند انتخابات را که بذات خود يك جريان ديموکراتيك است و پروسه قبول و عملى شدن ديموکراسى را که به تفکر، تعمق و تقويه بيشتر در آينده ضرورت دارد چون جسد بگور سپرد؟.

مردم افغانستان بعد از سپرى نمودن دهه هاى وحشت و دهشت، دهه هاى تحمل و انتظار، با استقبال از انتخابات ثابت نمودند که ايشان با اميد يك آينده بهتر حاضر به بخشيدن استند.

نااميدى مردم در قبال به تعويق افتادن نتيجه انتخابات، خاموشانه تحمل نگريده و اما با بحث ها، ابراز نظريات، پيشنهادهات و مظاهرات نمايندگى از پرسش وسهمگيرى يك نسل بيدار و آگاه مينمايد. در اين جمع بخصوص فعالين حقوق زن در افغانستان که توانائى نوشتن مقاله هاى بلند را دارند، در تلاش اند تا مسايل را همه جانبه ارزيباى نمايند. ايشان به كسى دشنام نميدهند و اما براى فهميدن و فهماندن خواننده و شنونده اى شان آنجا که لازم است بزبان ساده چنين ميگويند:

خانم منيره يوسف زاده: در اين جغرافيا، تصاميم پشت پرده جريان دارد که تصاميم روى پرده دولتمردان افغانستان را ناکام ميسازد. تأسف بر آنست که عده اى از دولتمردان ما آگاهانه و نا آگاهانه تطبيق کننده برنامه هاى پشت پرده اند.

خانم ثريا ثاقب: رجب طيب اردوغان به فاصله 2 روز رئيس جمهور ترکيه شد و ما مردم افغانستان، چندين ماه است که منتظر رئيس جمهور جديد هستيم. براى نسل جديد و کودکان خويش از استقلال، شفافيت و سربلندى مردم افغانستان چه بگويم؟.

اینکه بعد از یک تأخیر اجتناب پذیر کدام کاندید در مقام اول و کدام شان در مقام دوم لقب اشغال خواهند نمود، موضوعی است که هرچند اگر نتواند چون رسیدن عید امید بعد از رمضان عبادت باعث روشنی چشم و شادمانی دلها گردد و اما برای رسیدن به یگانه راه حل موجود و آنهم مراقب از چگونگی بوجود آمدن دولت « وحدت ملی » باید تمام توجه تمرکز داده شود. بنظر من مقاله محترم نور محمد غفوری " دولت « وحدت ملی » قابل رد و یا سزاوار تأیید؟ " که در این پورتال بنشر رسیده است، در این باب حاوی نکات ارزشمند است که میتوان آنرا در این مرحله انتخابات به حیث یک بحث عمده برای آینده ای بحث ها مورد توجه قرار داد.

یک واقعیت همواره برای امیدواری مردم وجود خواهد داشت و آنهم اینکه، دولت ها و حکومت ها میایند و میروند، اما این ملت است که با آموخته ها و تجارب حاصل شده خویش از این دولت ها و حکومت ها، مراقب آن خواهد بود تا در دور دیگر چانس بهتر برای قبول شدن رأی شان داشته باشند و این در صورتی امکان پذیر خواهد بود که مردم به خویش و قوت شان در پیاده ساختن دیموکراسی بشکل پیگیرانه باور داشته باشند.

خواننده های گرامی! توجه شما را به پیام خواهر ما خانم منیره یوسف زاده فعال حقوق زن و همراهانش که در راه پیمائی ماه سنبله سال جاری در کابل صورت گرفته است جلب مینمایم:

" نه مرده باد گفتیم و نه زنده باد به کسی یا کسانی، نه دم از اصلاحات زدیم و نه سخنی از تحول، فقط گفتیم ما نتیجه ای انتخابات را می خواهیم. فقط گفتیم که وضعیت اقتصادی مردم بدتر از گذشته است و کارمندان دولتی ما مدتی است که همان معاش بخور و نمیر را هم ندارند، در حالیکه روزانه مصارف هنگفتی را برای طولانی ترین انتخابات جهان در افغانستان مصرف میکنند. گفتیم جوانان ما بیشتر از گذشته به دنبال گرفتن ویزه مهاجرت هستند. گفتیم که در نتیجه خلاء قدرت ولایات ما ناامن تر از گذشته است و تجار ملی و بین المللی در نتیجه این ناامنی تمایلی به سرمایه گذاری ندارند. ما گفتیم و شعار دادیم و خوشبختانه جمع زیادی از ژورنالیستان ملی و بین المللی همراه با ما بودند و در ختم راه پیمائی هم نشینی؟ با مشاور سیاسی نماینده سازمان ملل در کابل داشتیم و خواسته های مردم افغانستان را صرف نظر از اینکه به چه کسی رأی داده اند، با ایشان شریک ساختیم ".

در باره سیاست چنین زیبا گفته شده است:

- همه را میتوان برای مدتی فریب داد، یک تعداد را میتوان برای همیشه در تاریکی نگهداشت و اما، همه را برای همیشه ممکن نیست که فریب داد.

-انسان وقتی در کار سیاست فریب میخورد که تصور کند دیگران را فریب داده است.

زرغونه عیبدی